



دانشکده ی علوم انسانی

پایان نامه ی دوره ی کارشناسی ارشد در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

بررسی تطبیقی طنز عبید زاکانی و حافظ شیرازی

استاد راهنما:

دکتر علی اکبر باقری خلیلی

استاد مشاور:

دکتر حسین حسن پور

اساتید داور:

دکتر غلامرضا پیروز

دکتر رضا ستّاری

دانشجو:

ربابه باقری

شهریور ۱۳۸۸

تقدیم به:

فروغ زندگانیم، پدر و مادر عزیزم

و

امید زندگانیم، دخترم مریم گلی

مقایسه ی طنز عبید زاکانی و حافظ شیرازی

چکیده

طنز در لغت به معنی طعنه زدن و استهزا کردن است و در اصطلاح به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می شود که با دست مایه ی طعنه به نشان دادن عیبها و مفسد فرد و جامعه می پردازد و هدف آن اصلاح کاستیها و پلشتیهاست.

موضوع این پایان نامه، تحلیل طنز عبید زاکانی و حافظ شیرازی است که از سه زاویه ی درون مایه ها، آماج و شگردهای طنزپردازی مورد کنکاش قرار گرفت و طنزهای آن دو از ابعاد مختلف با یکدیگر سنجیده شد. در بخش درون مایه های طنز حافظ چهار محور شعائر دینی، عرفانی، اخلاقی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت و در طنز عبید محورهای دینی، عرفانی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.

آماج طنز عبید به دو قسمت شخصیتها و نهادها تقسیم شد. شخصیتهایی که هدف طنز عبید ند، شامل متولیان دینی نظیر امام، شیخ، واعظ، مؤذن، زاهد، صوفی، محتسب، فقیه؛ مشاغل مختلف نظیر معلم، طبیب، خیاط، شاعر؛ و اربابان قدرت؛ یعنی پادشاهان و وزرا هستند. عبید در برخی از حکایات، زنان، پیروان مذاهب مختلف، مردم شهرهای مختلف را مورد طعن و تعریض قرار داده است. عبید در موارد معدودی در مورد معشوق خویش با زبان طنز سخن گفته است که همان موارد اندک هزل آمیز است. نکته ی قابل توجه در دایره ی آماج طنز عبید این است که در حکایات، گاه با تیپ خاصی؛ نظیر زاهد، دانشمند و طالب علم و پادشاهان روبرویم و گاه با شخصیتها که در این بخش به صراحت نام اشخاص را ذکر می کند و اینجاست که طنز عبید به هجو نزدیک می شود. از نهادها نیز، کعبه، مدرسه و مسجد را مورد طنز قرار داده است.

حافظ با خامه ی توانای خود به مبارزه ای جانانه با تزویرگران و دگنان داران ریاکار پرداخته است، از این رو در بخش آماج طنز حافظ با شخصیتهای ریاکاری؛ نظیر زاهد، صوفی، قاضی، مفتی، محتسب، واعظ و حافظ روبرویم که حافظ با جرأت و شهامت کم نظیری همه را به یک چوب رانده است. البته مراد وی از این که خود را هدف طنز قرار داده، به نوعی مبارزه با ریاکاران است. حافظ در بخش قابل توجهی از ابیات طنز آمیز، به گفت و شنودهای ظریف و طنز آمیز با معشوق خود پرداخته است. از نهادها نیز خانقاه، صومعه، مدرسه و مسجد را هدف طنز قرار داده است. در بخش شگردهای طنزپردازی نیز تحلیل و تبیین شگردهای طنزپردازی و بهره مندی حافظ و عبید از آرایه های ادبی در پروراندن مفاهیم طنز آمیز مورد توجه واقع شد.

در بخشی از این پژوهش نیز به بیان وجوه اشتراک و تفاوت طنزپردازی عبید و حافظ در سه زمینه ی درون مایه، آماج و شگردهای طنزپردازی پرداختیم. در بخش درون مایه ها و آماج طنز عبید و حافظ بیشتر وجوه اشتراک مطرح است؛ نظیر درون مایه های بهشت و ماه رمضان ذیل درون مایه های دینی؛ فقر و دفاع از ناتوانان و محرومان ذیل درون مایه های اقتصادی و خرقة ذیل درون مایه های عرفانی. شیخ، زاهد، صوفی، قاضی و معشوق از آماج مشترک طنز عبید و حافظ محسوب می شوند، ولیکن در بخش شگردهای طنزپردازی وضع به گونه ای دیگر است، در این قسمت تفاوتها چشمگیرتر است.

واژه های کلیدی

طنز، آماج، شگردها، درون مایه ها، ریا و زاهد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: مقدمه
۲	۱-۱- تعریف مسأله
۶	۱-۲- پژوهش‌های علمی انجام شده ی قبلی در ارتباط با پایان نامه
۷	۱-۳- سؤال‌های این پژوهش
۸	۱-۴- اهداف این پژوهش
۸	۱-۵- حدود پژوهش
۸	۱-۶- خلاصه ی مراحل پژوهش
	فصل دوم: طنز و طنزپردازی
۱۱	۲-۱- انواع شوخ طبعی
۱۱	۲-۱-۱- هجو
۱۴	۲-۱-۲- هزل
۱۵	۲-۱-۳- طنز
۱۷	۲-۲- تفاوت طنز با هجو و هزل
۱۸	۲-۳- تفاوت طنز با جدّ
۱۹	۲-۴- طنز و مسائل اجتماعی
۲۰	۲-۵- خنده
۲۲	۲-۵-۱- طنز و خنده
۲۴	۲-۶- طنزپرداز
۲۶	۲-۷- شگردهای طنزپردازی
۲۷	۲-۷-۱- کوچک کردن
۲۷	۲-۷-۲- بزرگ کردن
۲۷	۲-۷-۳- تقلید مضحک و کنایه ی طنز آمیز
۲۸	۲-۷-۴- طعنه یا کنایه ی طنز آمیز
۲۸	۲-۷-۵- نقل قول مستقیم
۲۹	۲-۷-۶- نقیضه
۲۹	۲-۷-۷- صور خیال طنز
۳۰	۲-۸- نقش قالب در طنز
۳۰	۲-۹- پیشینه ی طنز در ایران
۳۱	۲-۹-۱- طنز پیش از مشروطیت
۳۲	۲-۹-۲- طنز پس از مشروطیت
	فصل سوم: عبید زاکانی و حافظ شیرازی
۳۴	۳-۱- عبید زاکانی

۳۵	۱-۱-۳- ارتباط عبید با پادشاهان
۳۵	۲-۱-۳- آثار عبید
۳۶	۳-۱-۳- هزلیات عبید
۳۷	۲-۳- حافظ شیرازی
۳۸	۱-۲-۳- ارتباط حافظ با پادشاهان
۳۹	۳-۳- ارتباط حافظ و عبید
۳۹	۴-۳- انگیزه‌های طنز پردازی عبید و حافظ

فصل چهارم: طنز عبید زاکانی و حافظ شیرازی

بخش اول: طنز عبید زاکانی

۴۷	۱-۴- درون مایه های طنز عبید
۴۷	۱-۱-۴- درون مایه های دینی
۴۸	باورهای دینی
۴۸	۱-۱-۴- پل صراط
۴۸	۲-۱-۴- فرشتگان
۴۹	۳-۱-۴- دعا
۴۹	۴-۱-۴- صدقه
۴۹	۵-۱-۴- قرآن
۴۹	۶-۱-۴- ماه رمضان
۵۰	۷-۱-۴- نماز
۵۰	۸-۱-۴- دعوی پیغمبری
۵۱	۲-۴- درون مایه ی فرهنگی
۵۳	۳-۴- درون مایه های اخلاقی
۵۳	۱-۳-۴- حکمت
۵۴	۲-۳-۴- شجاعت
۵۴	۳-۳-۴- عفت
۵۵	۴-۳-۴- سخاوت
۵۶	۵-۳-۴- حلم
۵۶	۶-۳-۴- حیا و وفا و رحمت و شفقت
۵۷	۷-۳-۴- هم جنس گرایی
۵۸	۸-۳-۴- ریا
۵۹	۴-۴- درون مایه ی سیاسی
۶۰	۱-۴-۴- عدالت
۶۱	۵-۴- درون مایه ی اقتصادی
۶۲	۱-۵-۴- فقر
۶۳	۲-۴- آماج طنز عبید
۶۳	۱-۲-۴- شخصیتها
۶۴	۱-۱-۲-۴- امام جماعت
۶۴	۲-۱-۲-۴- بیگانگان

۶۶	۳-۱-۲-۴ پادشاهان و وزیران
۶۷	اتا‌بک سلغر شاه
۶۷	امیر طغاچار
۶۷	انوشیروان
۶۸	سلطان محمود غزنوی
۶۸	حجاج
۶۸	معاویه
۶۹	هارون الرشید
۷۰	خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی
۷۰	۴-۱-۲-۴ پیروان ادیان و مذاهب
۷۲	۵-۱-۲-۴ دانشمند و طالب علم
۷۳	مولانا قطب‌الدین شیرازی
۷۳	۶-۱-۲-۴ زاهد
۷۳	۷-۱-۲-۴ زنان
۷۵	۸-۱-۲-۴ شاعر
۷۵	سعدی
۷۵	ابوالعینا
۷۶	۹-۱-۲-۴ شیخ
۷۷	۱۰-۱-۲-۴ صوفی
۷۸	۱۱-۱-۲-۴ طبیب
۷۹	۱۲-۱-۲-۴ فقیه
۷۹	۱۳-۱-۲-۴ قاضی
۸۰	مولانا عضدالدین
۸۱	۱۴-۱-۲-۴ مؤذن
۸۱	۱۵-۱-۲-۴ محتسب
۸۱	۱۶-۱-۲-۴ مردم شهرهای مختلف
۸۲	۱۷-۱-۲-۴ معشوق
۸۲	۱۸-۱-۲-۴ معلّم
۸۳	۱۹-۱-۲-۴ واعظ
۸۳	۲-۲-۴ نهادها
۸۳	۱-۲-۲-۴ کعبه
۸۴	۲-۲-۲-۴ مدرسه
۸۴	۳-۲-۲-۴ مسجد
۸۵	۳-۲-۴ شگردهای طنزپردازی عبید
۸۵	۱-۳-۴ ساده نویسی و تأثیر از زبان و باورهای عامیانه
۸۶	۲-۳-۴ طرح پرسش
۸۷	۳-۳-۴ شیوه ی کوچک کردن
۸۹	۴-۳-۴ شیوه ی بزرگ کردن

۹۰	۵-۳-۴- تقلید مضحک و کنایه ی طنزآمیز
۹۰	۶-۳-۴- نقیضه ی درون مایه ای
۹۱	۷-۳-۴- طنز صوفیانه
۹۱	۸-۳-۴- دیوانه ی فرزانه
۹۲	ابوبکر ربابی
۹۲	ججی
۹۲	قاص
۹۳	طلحک
۹۳	۹-۳-۴- مغالطه
۹۳	۱۰-۳-۴- آرایه های ادبی
۹۳	بدیع لفظی
۹۳	۱-۱۰-۳-۴- انواع جناس
۹۳	- جناس تام
۹۳	- جناس مرکب
۹۴	- جناس خط
۹۴	- جناس زاید یا مزید
۹۴	- جناس مضارع
۹۴	- جناس اشتقاق
۹۴	۲-۱۰-۳-۴- تنسیق الصفات
۹۵	۳-۱۰-۳-۴- ردّالصدر إلى العجز
۹۵	۴-۱۰-۳-۴- سجع
۹۵	۵-۱۰-۳-۴- عکس
۹۵	۶-۱۰-۳-۴- تکرار
۹۶	بدیع معنوی
۹۶	۷-۱۰-۳-۴- ارسال المثل
۹۶	۸-۱۰-۳-۴- تلمیح
۹۷	۹-۱۰-۳-۴- تمثیل
۹۷	۱۰-۱۰-۳-۴- تضاد
۹۸	۱۱-۱۰-۳-۴- مقابله
۹۸	۱۲-۱۰-۳-۴- مراعات نظیر
۹۹	۱۳-۱۰-۳-۴- ذمّ شبیه به مدح
۹۹	۱۴-۱۰-۳-۴- تطابق معنوی
۹۹	۱۵-۱۰-۳-۴- ابهام
۹۹	۱۶-۱۰-۳-۴- تجاهل العارف
۱۰۰	بیان
۱۰۰	۱۷-۱۰-۳-۴- تشبیه
۱۰۱	۱۸-۱۰-۳-۴- استعاره

بخش دوم: طنز حافظ شیرازی

۱۰۵	۴-۴- درون مایه های طنز حافظ
۱۰۵	۴-۴-۱- درون مایه های دینی
۱۰۶	باورهای دینی
۱۰۷	۴-۴-۱- بهشت
۱۰۷	۴-۴-۲- تسبیح
۱۰۸	۴-۴-۳- تقوا
۱۰۹	۴-۴-۴- توبه
۱۱۰	۴-۴-۵- سجّاده
۱۱۰	۴-۴-۶- ماه رمضان
۱۱۱	۴-۴-۲- درون مایه های عرفانی
۱۱۲	۴-۴-۱- خرّقه
۱۱۴	۴-۴-۲- دعا
۱۱۵	۴-۴-۳- غیرت
۱۱۶	۴-۴-۴- کرامات
۱۱۶	۴-۴-۳- درون مایه های اخلاقی
۱۱۷	۴-۴-۱- ریا
۱۲۱	۴-۴-۲- نصیحت
۱۲۱	۴-۴-۴- درون مایه های اقتصادی
۱۲۱	۴-۴-۱- فقر
۱۲۲	۴-۵- آماج طنز حافظ
۱۲۲	۴-۵-۱- شخصیتها
۱۲۳	۴-۵-۱- پیر
۱۲۳	ریاکاران
۱۲۴	۴-۵-۲- امام جماعت
۱۲۵	۴-۵-۳- حافظ
۱۲۶	۴-۵-۴- زاهد
۱۳۰	۴-۵-۵- شیخ
۱۳۰	۴-۵-۶- صوفی
۱۳۴	۴-۵-۷- قاضی و مفتی
۱۳۵	۴-۵-۸- محتسب
۱۳۷	۴-۵-۹- واعظ
۱۳۸	۴-۵-۱۰- معشوق
۱۴۱	۴-۵-۲- نهادها
۱۴۱	۴-۵-۱- خانقاه
۱۴۲	۴-۵-۲- صومعه
۱۴۲	۴-۵-۳- مدرسه
۱۴۳	۴-۵-۴- مسجد
۱۴۴	۴-۶- شگردهای طنزپردازی حافظ

۱۴۴	۱-۶-۴- بیان نقیضی و پارادوکسی
۱۴۶	۲-۶-۴- تأکید بر کلمه ی خاص
۱۴۸	۳-۶-۴- طعنه یا کنایه ی طنزآمیز
۱۴۹	۴-۶-۴- مغالطه
۱۵۰	۵-۶-۴- عذر بدتر از گناه
۱۵۱	۶-۶-۴- آرایه های ادبی
۱۵۱	بدیع لفظی
۱۵۱	۶-۶-۱- انواع جناس
۱۵۱	- جناس تام
۱۵۱	- جناس زاید یا مزید
۱۵۲	- جناس خط
۱۵۲	- جناس شبه اشتقاق
۱۵۲	۶-۶-۲- تنسیق الصفات
۱۵۲	۶-۶-۳- واج آرایبی
۱۵۲	- از نوع صامت
۱۵۲	- از نوع مصوت
۱۵۳	۶-۶-۴- تضاد
۱۵۳	۶-۶-۵- مقابله
۱۵۳	۶-۶-۶- سیاقه الاعداد
۱۵۳	بدیع معنوی
۱۵۳	۶-۶-۷- ارسال المثل
۱۵۳	۶-۶-۸- ایهام
۱۵۵	- ایهام تضاد
۱۵۵	- ایهام تناسب
۱۵۵	۶-۶-۹- حسن تعلیل
۱۵۶	۶-۶-۱۰- لفّ و نشر مرتب
۱۵۶	۶-۶-۱۱- سؤال و جواب
۱۵۷	۶-۶-۱۲- جمع
۱۵۷	۶-۶-۱۳- تجاهل العارف
۱۵۷	۶-۶-۱۴- استخدام
۱۵۸	۶-۶-۱۵- حس آمیزی
۱۵۸	بیان
۱۵۸	۶-۶-۱۶- تشبیه
۱۵۹	- تشبیه بلیغ
۱۶۰	- تشبیه مرکّب
۱۶۰	- تشبیه جمع
۱۶۰	۶-۶-۱۷- استعاره
۱۶۰	۶-۶-۱۸- مجاز
۱۶۰	- به علاقه ی تضاد

بخش سوم: مقایسه ی طنز عبید زاکانی و حافظ شیرازی

۱۶۳	۷-۴- درون مایه های طنز
۱۶۴	۱-۷-۴- درون مایه های فرهنگی
۱۶۴	۲-۷-۴- درون مایه های اخلاقی
۱۶۵	۳-۷-۴- درون مایه های عرفانی
۱۶۶	۴-۷-۴- درون مایه های دینی
۱۶۷	۵-۷-۴- درون مایه های اقتصادی
۱۶۷	۸-۴- آماج طنز
۱۶۸	۱-۸-۴- شخصیتها
۱۶۸	۱-۱-۸-۴- زاهد
۱۶۹	۲-۱-۸-۴- شیخ
۱۶۹	۳-۱-۸-۴- صوفی
۱۶۹	۴-۱-۸-۴- قاضی
۱۷۰	۵-۱-۸-۴- معشوق
۱۷۰	۲-۸-۴- نهادها
۱۷۰	۱-۲-۸-۴- مسجد
۱۷۰	۲-۲-۸-۴- مدرسه
۱۷۱	۹-۴- شگردهای طنزپردازی

فصل پنجم: نتیجه گیری

۱۷۵	۱-۵- درون مایه های طنز
۱۷۶	۲-۵- آماج طنز
۱۷۷	۳-۵- شگردهای طنزپردازی
۱۷۸	۴-۵- درون مایه های طنز حافظ
۱۷۹	۵-۵- آماج طنز حافظ
۱۸۰	۶-۵- شگردهای طنزپردازی
۱۸۱	۷-۵- مقایسه ی طنز عبید و حافظ

مبنای این پژوهش بررسی طنز دو هنرمند صاحب قلم؛ یعنی عبید زاکانی و حافظ شیرازی و بیان وجوه شباهت و تفاوت طنز آن دو است. از این رو در فصل چهارم طنز عبید و حافظ هریک به طور جداگانه از سه زاویه ی آماج، درون مایه ها و شگردهای طنزپردازی مورد بررسی قرار گرفت و در مبحثی جداگانه مقایسه ی طنز عبید و حافظ از این سه زاویه مورد توجه و تأمل واقع شد. نگارنده برای ایجاد سهولت در مطالعه ی فصل چهارم آن را به سه بخش مجزاً تقسیم و زیر مجموعه های آماج طنز را نیز بر اساس حروف الفبا تنظیم نموده است.

سه بخش فصل چهارم عبارتند از:

بخش اول: طنز عبید زاکانی

بخش دوم: طنز حافظ شیرازی

بخش سوم: مقایسه ی طنز عبید زاکانی و حافظ شیرازی

فصل اوّل

مقدمه

۱-۱- تعریف مسأله

طنز واژه ای عربی است و به معنای مسخره کردن، طعنه زدن، عیب کردن و به استهزا از کسی سخن گفتن است. در اصطلاح به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می شود که با زبان کنایی به افشای کاستیها و رذالت‌های جامعه می پردازد. سه نظریه در باب طنز مطرح است: نظریه ی تفوق، نظریه ی آرامش، نظریه ی ناهماهنگی.

با این هنر ظریف است که انسان حتی در شرایط نامساعد تاریخی توانسته است به افشای مسائلی بپردازد که در کلام جدّ، بازگو کردن آن امکان پذیر نبوده است و در عین حال کسانی را که آماج طنز واقع می شوند به خشونت و خیره سری بیش تر برنینگیزد. طنزپردازی طرزی است هنرمندانه که در وجود انسان اشک را به لبخند و درد را به شادی بدل می سازد، اما ظرافت طبع هنرمند است که می تواند این لبخند محجوب را که درون هر درد و درون هر زندگی پنهان است بیرون بیاورد، جلوه دهد و آن را به جای اشک و دردی بنشانند که بی انصراف از آن روح نمی تواند شوق و شادابی خود را حفظ کند و به یأس و بدبینی کشنده نیفتد. با این تعبیه ی ظریف است که انسان توانسته است حتی در نامساعد ترین احوال تاریخ خویش آنچه را در دل دارد بی ترس بیان کند و در عین حال کسانی را که افشای آنچه وی در دل دارد به زیان آنهاست زیاد نرنجاند و به خشونت و خیره سری بیشتر وادار نکند. (زرین کوب، ب ۱۳۷۴: ۵۵۴) همان قدر که طنز آیینی ی روح و فکر طنز پرداز است، بازتاب شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه نیز هست. گویی طنز پرداز چه در نوع نگاه و چه در انتخاب زبان و قالب، دوران خویش را با طنز به تصویر می کشد و از آن انتقاد می نماید. در

نتیجه لازمه ی در دست داشتن درکی درست از طنز و شوخ طبعی جامعه ی امروز ما نگاهی به این پیشینه است. (صدر، ۱۳۸۱: ۱۱)

در قرنهای هفتم و هشتم که دوره ی استیلای مغولان و حکومت های غیر صالح دیگر در ایران است، مفسد اجتماعی رواج پیدا می کند. از دسیسه بازی ها و مفسدی که در دستگاه حکومتی وجود داشت هر کس به نحوی استفاده می کرد. تمغاجیان؛ یعنی مأموران وصول مالیات، گاه در سال بیش از ده بار به عناوین مختلف از مردم باج و مالیات می خواستند. ایلچیان خان هم هر گاه به شهری فرود می آمدند مردم ناچار بودند از آنان پذیرایی کنند و چه بسا که این مهمانان ناخوانده طمع در مال و ناموس میزبان می بستند (قشمی، ۱۳۸۰: ۱۷۵) با تمام این احوال نیمه جانی که برای این بدبختان باقی می ماند در جنگ و گریزهایی که حاکمی با حاکم دیگر می کرد از دست می رفت. مسلم است که در چنین وضعی هیچ هنری جز کلاشی و ریا و تزویر خریدار ندارد. به این دستگاه شاعری راه دارد که مدح گوید و فقیهی جای دارد که احکام را بر موازین اعمال صاحبان دستگاه اجرا کند. عبید زاکانی در قرن هشتم؛ یعنی دورانی می زیسته که این وضع به شدت ادامه داشته است؛ پس این سخن عبید به نظر نمی رسد که عبید چون دید رساله ی او در فن معانی و بیان به حضور شاه پذیرفته نشد و مقربان گفتند "پادشاه را به این گونه مزخرفات نیازی نیست" زبان به هزل و هجو و تمسخر گشود و گفت:

در علم و هنر مشو چو من صاحب فن تا نزد عزیزان نشوی خوار چو من (زرین کوب، الف ۱۳۷۴: ۳۷)

«موضوع بسیار مهم در باب عبید، بینش انتقادی و نظرگاه اجتماعی اوست. وی مردی بود بیدار و آگاه و اوضاع زمانه را ابداً نمی پسندید و از آن آزرده خاطر بوده است. خواننده روشن بین می تواند در پشت لطیفه های خنده انگیز او این دل آزرده گی را آشکارا ببیند. اگر عبید این دید خاص انتقادی را فاقد بود، ذوق لطیفه پردازی اش عاطل می ماند و حرف هایش چیزهایی می شد از نوع بذله های مسخرگان و دلکشان که جزء «عمله ی طرب» و وسیله ی خنده و تفریح اشراف و خواص بوده اند. پس هرگز نباید چنین نویسنده و شاعر منتقد بزرگی را در شمار هزالان و هجوگویان شمرد. این تند و پررنگی هزلیات او تا حدی عکس

العمل شدت فساد و تباهیها در آن روزگار است.» (یوسفی، ۱۳۷۵: ۲۸۹-۲۹۰) عبید از دیدن شیوخ ریاکار طاقت نیاورده به زبان «موش و گربه» حقیقت را در لباس کنایت به اهل ذوق فهمانید. (معین، ۱۳۷۰: ۸۱)

«پس از عبید زاکانی، لسان الغیب حافظ، شاعری است که مضامین انتقادی خاصی در آثارش وجود دارد، در دیوان جهل سوز معرفت آموز، او گونه ای از طنز که به منظور ظلم ستیزی و مبارزه با تزویر و ربای سالوس فروشان زمانه اش به کار رفته است مشاهده می شود. طنز حافظ زیرکانه، کوبنده، هوشیاری بخش و یا به تعبیر کلی تر رندانه و یا چون تازیانه ای است که بر سر متظاهران سیاه باطن فرود می آید و ضمن آنکه دوست داران حقیقت را خرسند می کند و لبخندی از رضایت را بر لبان می آورد، دین به دنیا فروشان ریاکار را به کج رویشان متوجه می کند.» (رزمجو، ۱۳۷۲: ۹۶) این یک واقعیت انکار ناپذیر است که حاکمیت در طول تاریخ ایران، همواره حاکمیت مذهبی بوده است. عصر حافظ به ویژه روزگار امیر مبارزالدین، یکی از نمونه های برجسته ی این ویژگی در تاریخ ایران است؛ اوج بهره وری حاکمیت از نیروی تعصب مذهبی برای ایجاد فشار و سرکوب نیروهای مخالف. طبیعی است که در چنین شرایط تاریخی، طنز شاعر که ناظر بر تناقض های داخل نظام اجتماعی و سیاسی و ساختار حکومت است، متوجه ی اهرم قدرت عصر که همانا مذهب است، می شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۲۲)

«طنز رندانه ی حافظ به کلی بی سابقه نیست. سعدی و عبید زاکانی بر او فضل تقدّم دارند اما این دو، گاه کارشان به هجو و تلخ زبانی هم کشیده است در شعر حافظ هجو نیست. فقط دو بار دشنام هجوآمیز در دیوان او هست. و گرنه طنزهای و غمّازیهای دیوانش در کمال خوش خویی و خوش باشی و خوش خیالی است.» (خرّمشاهی، ۱۳۸۴: ۲۲۲)

مقایسه کنید عبید و سوزنی و حافظ را: سوزنی تجاوزی که دارد، تجاوز به حریم واژگان سکس است یا به حریم چیزی که آن را «ناموس» خوانده اند. اما حافظ هرگز چنین کاری نکرده است. حافظ تابوهایی نظیر صومعه، خانقاه، محتسب و شحنه را مورد هجوم قرار داده است و عبید حدّ فاصل سوزنی و حافظ است، با این تفاوت که عبید در مقایسه با سوزنی با نوع سروکار دارد و نه با شخص و به همین دلیل هنرش استمرار دارد. اما تفاوتی که به لحاظ اسلوب با سوزنی دارد، این است که کار او طنز است و کار سوزنی هجو، و به لحاظ نوع

تابوها (به مفهوم عام آن شامل هر نوع مفهوم «مسلط» یا «مقدس» در محیط اجتماعی باشد)، تفاوت او با حافظ در این است که حافظ در دایره ی تابوهای خاصی شبکه ی طنز خود را گسترش می دهد که مفاهیم اساطیری و رمزی آنها در حال تحول مداوم است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۲۳)

در بررسی سیر تاریخی طنز، می توان آن را به پیش از مشروطه و پس از مشروطه تقسیم کرد: طنز پیش از مشروطه: تولد حقیقی طنز، در دوران پس از اسلام و به خصوص طی قرن ششم و هفتم هجری در ادبیات صوفیه رخ می دهد؛ طنز اینان بازتاب عتابی است که مجذوبان در جذبه ی عرفانی نسبت به ذات حق ابراز کرده اند و حکایت از طغیان انسانی آگاه دارد که در برابر بی عدالتیهای اجتماعی نمی تواند ساکت بنشیند (داد، ۱۳۷۵: ۲۰۸) آنچه طنز پیش از مشروطه را شخصی می نماید، گرایش شاعرانی چون سوزنی، مختاری، انوری و ... به هجو و هزل است. این طنز به دلیل نابه سامانیهای سیاسی و اجتماعی برخاسته از حمله ی مغولان، در قرن هفتم و هشتم صبغه ی نسبتاً انتقادی به خود می گیرد و عبید زاکانی در این وادی، کوبنده ترین، گیراترین و صریحترین طنزهای انتقادی را رقم زده و اوضاع نابه سامان زمان و اعمال خلاف شرعی و غیرانسانی حاکمان، فقیهان و قاضیان و... را به شیوایی به تصویر کشیده است. پس از عبید، حافظ از برجسته ترین طنزپردازان ادبیات کلاسیک محسوب می گردد و طنز او یکی از عمده ترین هنرهای شعری اوست.

درباره ی طنز پس از مشروطه، اگر بپذیریم که نتیجه ی مستقیم یک انقلاب سیاسی، یک انقلاب ادبی است، می توان گفت نهضت مشروطه جهش فکری عظیمی را در بین شاعران و نویسندگان ادبی پدید آورد و اینان برای ترویج فضیلت و معنویت، پیکار با مفاسد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طنز را بهترین ابزار یافتند. سید اشرف الدین حسینی با شعرهایش در «نسیم شمال» و علی اکبر دهخدا با نثرهایش در «صور اسرافیل» این رسالت اجتماعی و مردمی را بر عهده داشتند و بهار، فرخی یزدی و میرزاده عشقی و ... این روند را تداوم بخشیدند. ویژگی بارز طنز این دوره را صبغه ی انتقادی آن باید دانست. (باقری خلیلی، ۱۳۸۴: ۳۱ - ۳۲)

۱-۲- پژوهشهای علمی انجام شده ی قبلی در ارتباط با پایان نامه (به طور مختصر)

اگر چه آثار زیادی درباره ی طنزپردازی حافظ و عبید زاکانی به رشته ی تحریر درآمد، ولیکن پژوهشی به طور مستقل و مطابق با اهداف این پایان نامه در مقایسه ی این دو طنز پرداز صورت نگرفته است. در این جا برای نمونه به چند مورد از آثاری که به نوعی به موضوع مورد بحث مربوط است اشاره می شود:

این کیمیای هستی از دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی: شامل مجموعه مقالات و یادداشتهای استاد درباره ی حافظ است. مقاله ای تحت عنوان طنز حافظ در این کتاب درج شده است. نویسنده در این مقاله تعریفی از طنز ارائه می دهد: «تصویر هنری اجتماع نقیضین» و بر این عقیده است که تعریف مذکور جامع ترین و دقیق ترین تعریفی است که تا کنون در باب طنز ارائه شده است.

شعر بی دروغ، شعر بی نقاب از دکتر عبدالحسین زرّین کوب: این کتاب شامل بحث در فنون شاعری، سبک و نقد شعر فارسی تطبیقی و انتقادی است. نویسنده در دو قسمت از کتاب یکی در فصل «معنی و مقصود» به صورتی موجز و دیگری در فصل «شعر عامیانه و نمایش» به طنز پرداخته است.

از کوچه ی رندان، از دکتر عبدالحسین زرّین کوب: نویسنده در این کتاب به شرح زندگی و اندیشه ی حافظ پرداخته و فضای اجتماعی عصر حافظ را کاملاً مورد بحث و تحلیل قرار داده و در مورد طنز و علت روی آوردن حافظ به طنز کاملاً شرح داده است.

دیداری با اهل قلم از دکتر غلامحسین یوسفی: نویسنده در جلد اول کتاب مقاله ای تحت عنوان «شوخی طبعی آگاه» دارد که در آن به شرح احوال عبید زاکانی و بینش انتقادی وی، هزل تند و به بررسی چند مورد از آثارش؛ همچون رساله ی تعریفات، صد پند، اخلاق الاشراف به عنوان برجسته ترین آثار عبید از نظر طنزپردازی پرداخته است.

مکتب حافظ از منوچهر مرتضوی: اثری است که نویسنده آن را به عنوان مقدمه ی حافظ شناسی معرفی کرده است. یکی از موضوعات مورد نیاز در شناخت سبک حافظ توجه به لحن عنادی و استهزآمیز خواجه است. نویسنده برای کلمات و مصطلحات دیوان حافظ تقسیم بندی در نظر گرفته؛ نظیر کلمات و مصطلحات

مورد مخالفت و انتقاد در مشرب حافظ مانند صوفی و خرّقه؛ کلمات و مصطلحاتی که گاهی به طور عادی و گاهی با لحن عناد و استهزا استعمال می شود؛ مانند حلال، حرام و خراب..

بهاءالدین خرمشاهی در کتاب حافظ، حافظه ی ماست، مقاله ای در باب طنز حافظ به رشته ی تحریر درآورده است. نویسنده در ابتدا چند تعریف در باب طنز بیان کرده آنگاه در مرحله ی بعد که بخش اعظم مقاله را شامل می شود تأملی انتقادی در تعریف استاد شفیعی از طنز دارد.

ذهن و زبان حافظ از بهاءالدین خرمشاهی: شامل مجموعه مقالاتی در زمینه ی حافظ پژوهی است؛ موضوع یکی از مقالات آن « نظری به طنز حافظ » است. از مهمترین موضوعاتی که در این مقاله بدان پرداخته شده عبارتند از: مقایسه ی نیچه و حافظ، نقض اطلاق معیارهای جدیدی همچون مبارز سیاسی به حافظ، آماج طنز در دیوان حافظ.

عبید زاکانی از علی اصغر حلبی: نویسنده ابتدا به شرح حال زندگانی عبید، روزگار و معاصران وی پرداخته. آن گاه آثار وی را به دو دسته ی جدّ و هزل تقسیم کرد؛ بحثی نیز در طنز و شوخ طبعی و علل گرایش به آن دارد. در بخش اندیشه های عبید به مقایسه ی عبید با ماکیاولی پرداخته و در پایان بحث کاملی در باب نظر عبید نسبت به سه موضوع دین، اخلاق و سیاست دارد که در طی آن به مقایسه ی عبید و حافظ نیز پرداخته است .

۱-۳- سؤالیهای این پژوهش

در این پژوهش تلاش می شود تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود.

- ۱- درون مایه های طنز عبید و حافظ چیست ؟
- ۲- آماج طنز در غزلیات حافظ و آثار عبید چیست؟
- ۳- شگردهای طنز پردازی حافظ و عبید کدامند؟
- ۴- شباهتها و تفاوتهای طنز عبید و حافظ در چیست ؟

۱-۴- اهداف این پژوهش

اصلی ترین اهداف این پژوهش، تحلیل درون مایه ها و آماج و شگردهای طنز عبید و حافظ است.

۱-۵- حدود پژوهش

آثار منشور طنزآمیز عبید به انضمام قصیده ی موش و گربه و ابیات طنزآمیز حافظ

۱-۶- خلاصه ی مراحل پژوهش

روش پژوهش تحلیل محتوایی است و جمع آوری اطلاعات به روش مطالعات کتابخانه ای انجام گرفته است. از این رو نگارنده بر اساس مطالعاتی که درباره ی طنز و طنز عبید و حافظ داشت به تهیه ی فیش هایی پرداخت. در مرحله ی بعد ابیات طنزآمیز از دیوان حافظ استخراج شد، آن گاه به بازنگری حکایات و طنزآمیز عبید و ابیات طنزآمیز حافظ، بر اساس سه محور اساسی آماج، درون مایه و شگردهای طنزپردازی پرداخت. نگارنده برای درک و تحلیل بهتر ابیات و حکایات خود را ملزم به مطالعه در تاریخ قرن هشتم و حکومت های ملوک الطوائفی آن کرد. و در پایان، این پایان نامه بر اساس درون مایه ها، آماج و شگردهای طنزپردازی عبید و حافظ به صورتی جداگانه و در مرحله ی بعد در مقایسه با هم تنظیم شد.

این پایان نامه شامل پنج فصل است که عبارتند از:

فصل اول، مقدمه: شامل بیان اهداف، مراحل و فرضیات پژوهش است.

فصل دوم، طنز و طنزپردازی: ابتدا تعاریفی از طنز، هجو و هزل ارائه شد، آن گاه مقایسه ی این سه نوع از انواع شوخ طبعی و همچنین مقایسه ی طنز و جد اساس کار قرار گرفت. در پایان نیز در مورد طنز و مسائل اجتماعی و خنده مطالبی بیان شد.

فصل سوم، حافظ شیرازی و عبید زاکانی: در این فصل به شرح زندگانی حافظ و عبید و فضای

سیاسی حاکم بر قرن هشتم پرداخته شد و انگیزه ی طنزپردازی آنان مورد توجه واقع شد.

فصل چهارم، شامل سه بخش است: بخش اول: طنز عبید زاکانی؛ بخش دوم: طنز حافظ شیرازی؛ بخش سوم: مقایسه ی طنز عبید زاکانی و حافظ شیرازی. در بخش اول به بررسی درون مایه ها، آماج و شگردهای طنزپردازی عبید پرداخته شد و در بخش دوم به بررسی همین موارد در طنز حافظ روی آورده شد. در بخش سوم تطبیق طنز این دو طنزپرداز توانا مورد توجه قرار گرفت.

تا آن جا که امکان داشت، سعی شد که شواهد کمتری ذکر شود. مخصوصاً در طنز عبید بدان سبب که ذکر بسیاری از شواهد به دور از ادب بود تنها به درج شماره ی صفحه ی حکایات مربوط اکتفا شد. البته مواردی که مربوط به رساله ی صدپند و رساله ی دلگشا است علاوه بر شماره ی صفحه، شماره ی پند و حکایت مندرج در کتاب نیز ذکر شد. لازم به ذکر است، عددی که در برابر ابیات طنزآمیز حافظ گنجانده شده است بر اساس شماره ی صفحه ی دیوان حافظ به تصحیح محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی است. و کلیات عبید به تصحیح پرویز اتابکی اساس کار قرار گرفت.

فصل پنجم، این فصل به نتیجه گیری از فصل چهارم و ارزیابی نهایی اختصاص دارد.